

http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1400.17.39.2.4

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

صفحه ۲۴-۱

نوع مقاله: پژوهشی

# مدل تکوین محصول با رویکرد چابکی در صنعت فرش دستباف با روش داده بنیاد\*

علیرضا شیرینی

دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

غلامرضا هاشم‌زاده خوراسگانی (نویسنده‌ی مسئول)

دانشیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

gh\_hashemzadeh@azad.ac.ir

نسرتین آخوندی

استادیار گروه ریاضی دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

فضل‌الله جمالی

استادیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

## چکیده

صنعت فرش دستباف به سبب عوامل عدیده‌ی درونی و بیرونی با معضلات متعددی روبه‌رو شده است. به‌کارگیری روش‌های علمی، مدون و از پیش برنامه‌ریزی شده که با مددجویی از آن‌ها بتوان تأثیرات این عوامل را از بین برده و یا کاهش داد، می‌تواند باعث رونق‌گیری این صنعت مؤثر بر فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی شود. یکی از این روش‌های علمی، ارائه‌ی مدل تکوین و توسعه‌ی محصول است. مدل تکوین محصول به منظور حصول اطمینان از تحقق خواسته‌ها و رضایت مشتریان در قبال محصول و فرآیندهای مورد استفاده، افزایش کیفیت و کاهش ضایعات از فاز جمع‌آوری خواسته‌های مشتریان تا تولید و رسیدن محصول به دست مشتری نهایی و حتی نظارت بر خدمات پس از فروش و جمع‌آوری بازخوردها، الگوها، استانداردها، رویه‌ها و روش‌ها اجرا شده و نیز مراحل ارائه می‌دهد. از سویی دیگر، فرآیند تولید و توسعه‌ی محصولات جدید به سبب افزایش مخاطره‌های جهانی، تغییر سریع نیاز و خواسته‌های مشتریان و افزایش ریسک‌پذیری دستخوش تغییر و تحولات بسیار شده است، به طوری که توجه به استراتژی‌های چابک‌سازی را در فرآیندهای تولید مطرح ساخته است. هدف از این پژوهش، ارائه‌ی مدل اختصاصی تکوین محصول برای صنعت فرش دستباف ایران با رویکرد چابکی است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نوع توصیفی-پیمایشی است. در این پژوهش، ابتدا به وسیله‌ی مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی مدل‌های تکوین و توسعه‌ی محصول، خدمات و مدل‌های تولید چابک پرداخته و سپس با استفاده از آرای خبرگان و روش دلفی فازی به غربال شاخص‌های مستخرج از مدل‌های بررسی شده، پرداخته شده است که حاصل این مهم، رسیدن به ۴۷ شاخص برگزیده از منظر خبرگان از بین ۱۴۷ شاخص کلی است. در ادامه، از آن‌جایی که ماهیت تولید فرش دستباف با ماهیت تولید اغلب محصولات صنایع دیگر متفاوت است، به دست‌یابی شاخص‌های اختصاصی مبادرت ورزیده شد. به همین منظور، با استفاده از مصاحبه‌های پرسش باز و اشباع نظریه‌ی (گلوله برفی)، جمع‌آوری داده‌های تازه با انجام مصاحبه با خبرگان صورت گرفت. این کار تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در مرحله‌ی بعد، با مددجویی از روش داده بنیاد به استخراج کدها از میان متون مصاحبه‌های پرسش باز پرداخته شد. نتیجه‌ی این روش نیز دست یافتن به ۳۱ شاخص تازه بود. در پایان نیز با استفاده از تلفیق شاخص‌های به دست آمده از هر دو روش، به ارائه‌ی مدل اختصاصی این صنعت با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti نسخه ۸ پرداخته شد. مدل به دست آمده شامل ۸ فاز اصلی، ۷ فاز فرعی و ۴۷ زیرشاخص است.

**واژه‌های کلیدی:** تولید چابک، روش داده بنیاد، دلفی فازی، فرش دستباف ایران، مدل تکوین محصول

\* این مقاله مستخرج از رساله‌ی مقطع دکتری با عنوان ارائه‌ی مدل تکوین محصول با رویکرد چابکی برای صنعت فرش دستباف ایران در دانشکده‌ی مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به راهنمایی دکتر غلامرضا هاشم‌زاده خوراسگانی و مشاوره‌ی دکتر نسرتین آخوندی و دکتر فضل‌الله جمالی است.



# A Model for Product Development Process with an Approach to Agility in the Hand-woven Carpet Industry Using Grounded Theory Methodology

**Alireza Shiri**

Ph. D. student in Industrial Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch

**Gholamreza Hashemzadeh Khorasani (corresponding author)**

Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch

**Nasrin Akhoundi**

Assistant Professor, Department of Mathematics, Faculty of Engineering, Islamic Azad University, South Tehran Branch

**Fazlollah Jamalou**

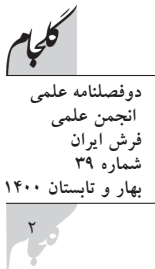
Assistant Professor of Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch

## Abstract

The hand-woven carpet industry has faced many challenges due to internal and external factors. The use of scientific and pre-planned methods through which the impacts of these factors can be mitigated or eliminated can lead to the prosperity of this influential industry on culture, economy, and social life. Presenting a model for product development is one of these scientific methods. The product development model is used to ensure the realization of customers' demands and satisfaction regarding the product and procedures, increase quality and reduce the wastage from the phase of collecting customers' requirements to the production phase and delivery of the product to the end-user, and even supervision over after-sales services and collection of the feedback, patterns, standards, procedures, and methods. On the other hand, the process of development and production of the new products has undergone great changes due to the increase in global risks, the fast changes in customers' needs and wants, and the increased risk-taking, which has focused the attention on agility strategies in production procedures. The present study seeks to present an exclusive product development model for the Iranian hand-woven carpet industry adopting an agility approach. The study first conducts desk research to investigate goods and service development models and agile production models and proceeds to filter the indicators extracted from the studied models using expert opinions and fuzzy Delphi technique, the result of which is the compilation of 47 indicators selected by the experts out of the 147 total indicators. Afterward, measures were taken to achieve specific indicators since hand-woven carpet production is different from most other industries in nature. For this purpose, open-ended interviews and theoretical saturation (snowball technique) were used to collect new data through interviews with experts. The interviews continued to the point of theoretical saturation. In the next stage, the grounded method was used to extract codes from the open-ended interview transcripts, the result of which was the compilation of 31 new indicators. Eventually, the indicators obtained from the two methods were integrated and the exclusive model for this industry was developed using the Atlas. ti v. 8 software. The final model is made up of eight main dimensions, seven sub-dimensions, and 47 sub-indicators.

**Keywords:** Agile manufacturing, Grounded theory methodology, fuzzy Delphi, hand-woven Iranian carpet, Product development model

This article was derived from a doctoral dissertation entitled "A Model for Product Development Process with an Approach to Agility in the Iranian Hand-Made Carpet Industry" submitted to the Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, supervised by Dr. Gholamreza Hashemzadeh Khorasani and advised by Dr. Nasrin Akhoundi and Dr. Fazlollah Jamalou.



دوفصلنامه علمی  
انجمن علمی  
فرش ایران  
شماره ۳۹  
بهار و تابستان ۱۴۰۰

۲

## مقدمه

امروزه بیشتر سازمان‌ها در جستجوی یافتن عوامل ایجاد مزیت رقابتی هستند (سلطانی، رمضان‌پور و نوع‌پسند، ۱۳۹۲: ۲). تغییر در محیط بازار، شرکت‌ها را مجبور به افزایش سرعت در توانایی ارائه محصول جدید در زمان کوتاه‌تر به بازار کرده است. تغییرات محیطی باعث افزایش انتظارات مشتری شده است. بنابراین شرکت‌ها مجبور به ساختن محصول جدید به طور پیوسته و هم‌زمان بهبود کیفیت محصول با ثابت نگه‌داشتن قیمت به منظور پیروزی در رقابت هستند (Iihami & Subagyo, 2020: 3). رقابت باید بیشتر با تکیه بر نوآوری ایجاد شود. از طرفی، توانایی‌های ارائه‌ی محصولات و نوآوری در سناریوهای جهانی‌سازی و بازار متلاطم، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است (Slater, Mohr & Sengupta, 2014). علم بر پایه‌ی توانایی‌های پویا معنی تازه‌ای از ابعاد مؤثر عملکرد بر ارائه‌ی محصول جدید را فراهم می‌کند و این موضوع باعث ایجاد جذابیت برای تحقیقات علمی و دولتی و بخش‌های تجاری می‌شود (Goedhuys & Veugelers, 2012: 3).

با توجه به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه‌ی علم و بالا رفتن سطح دانش، اطلاعات و خواسته‌های مشتریان و خارج شدن صنعت فرش از حالت انحصاری، لزوم توجه به مزیت رقابتی، روش‌ها و تحقیقات علمی در این صنعت با توجه به مشکلات موجود، بیش از پیش نمود پیدا می‌کند. کشور ایران به منظور گسترش صادرات غیرنفتی و حضور در بازارهای جهانی و رشد و دوام در بازار، نیازمند در نظر گرفتن اصول سلیقه‌یابی و ایجاد بازارهای مصرف مناسب و مطمئن است. در این راستا، فرش دست‌باف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صادرات ایران در عرصه‌ی تجارت جهانی، به دنبال به‌دست آوردن جایگاه متناسب و در خور توجه، شأن و منزلت خود است. تولید سنتی و تمرکز بر طرح و نقشه‌های قدیمی و روش‌های سنتی بازاریابی و فروش و نیز کوربافی و تولید بدون توجه به سلیقه‌های مشتریان فرش در بازارهای هدف، می‌تواند از جمله عوامل رکود فرش ایران باشد که باید در این زمینه تحول اساسی صورت گیرد (وندشعاری، نادعلیان و شیرازی، ۱۳۸۹: ۸۵). در خصوص مبحث صادرات، متأسفانه صادرات فرش دست‌باف در یک سال و نیم اخیر به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. بسیاری از بازارهای صادراتی فرش دست‌باف ایران حالا در اختیار رقبا هستند و مشتری‌های همیشگی فرش ایران، امروز فرش‌های هند، چین و افغانستان را به خانه می‌برند. کارشناسان یکی از مهم‌ترین دلایل این امر را اختلاف قیمت شدید فرش ایران با رقبای خمد می‌دانند. واقعیت این است که فرش ایران با قیمتی بسیار بالاتر از دست‌باف‌های دیگر کشورها به بازار جهانی می‌رسد. بسیاری از فعالان صنعت فرش ایران در سال‌های اخیر جذب صنعت و بازار فرش ترکیه شده‌اند و این کشور با دادن تسهیلاتی به فعالان این صنف، برخی طراحان و بافندگان ایرانی را به استخدام خود درآورده است. تمام موارد ذکر شده تنها گوشه‌ای از مسائل و مشکلاتی است که این صنعت تاریخی از آن رنج می‌برد (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۹).

صنعت فرش به‌عنوان مهم‌ترین صنعت در صنایع دستی و پردرآمدترین صادرات غیرنفتی کشور از سالیان دور مطرح بوده و با توجه به ارتزاق بیش از ۸ میلیون نفر از جمعیت کشور (به طور مستقیم یا با واسطه) و جایگاه رفیع آن در بخش فرهنگی و اجتماعی، مزایای بی‌شماری یافته است (عربی و صبوری، ۱۳۸۳: ۴۳). با این حال، نگاهی به آمارهای سالیان قبل نشان می‌دهد صادرات فرش دست‌باف ایران طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه رو به کاهش بوده و در برنامه‌ی چهارم توسعه، این متغیر روند صعودی به خود گرفته است. در عین حال، ارزش وزنی صادرات فرش دست‌باف در برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه، روندی نزولی داشته است (پایگاه اینترنتی پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲). فرش دست‌باف یکی از مهم‌ترین محصولات صادراتی از



سالیان دور به عنوان نماد معرف کشور و یکی از شاخص‌های شناخت فرهنگ ملی ایران به‌شمار می‌رود. توسعه و رونق این صنعت، آثار مثبتی بر اقتصاد کشور خواهد داشت. ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، ایجاد ارزش افزوده و درآمد ارزی و افزایش صادرات و همچنین رونق و توسعه زندگی روستایی از مزیت‌های این صنعت است. صنعت فرش دست‌باف اگرچه از مزیت‌های نسبی خوبی همچون سرمایه‌بری کم، فناوری ساده، تجربه عمیق و کافی، اشتغال‌زایی و ارزآوری برخوردار است، اما از ناهماهنگی‌های موجود در زنجیره تولید از بافت تا مصرف در رنج است؛ به عبارت دیگر، ارتباط عناصر با یکدیگر از تعریف علمی و استاندارد برخوردار نیست. به منظور فائق آمدن بر این قبیل مشکلات، روش‌های علمی به منظور شناسایی خواسته‌ها و نیازهای مشتریان و تحقق آن، بالا بردن کیفیت و ارائه راه‌کارها و روش‌های مدون می‌تواند تمرینش باشد. از جمله این روش‌ها می‌توان به ارائه مدل تکوین محصول اشاره کرد. مدل تکوین محصول به منظور حصول اطمینان از تحقق خواسته‌ها و رضایت مشتریان در قبال محصول و فرآیندهای مورد استفاده، افزایش کیفیت، کاهش ضایعات از فاز جمع‌آوری خواسته‌های مشتریان تا تولید و رسیدن محصول به دست مشتری نهایی و حتی نظارت بر خدمات پس از فروش و جمع‌آوری بازخوردها، الگوها، استانداردها، رویه‌ها و روش‌ها اجرا شده و مراحل را ارائه می‌دهد (صمدی‌مقدم و خیرخواه، ۱۳۸۸: ۳).

از طرفی، صنعتی‌سازی تولید فرش دست‌باف از جمله عوامل تعیین‌کننده در کاهش قیمت تولید، افزایش بهره‌وری، رشد کیفی و کمی محصول تولیدی مطابق با فرآیند زمانی تعیین شده است که این مهم می‌تواند در قالب ارائه مدل تکوین محصول محقق شود. همچنین با توجه به این که قابلیت پاسخ‌گویی سریع به خواسته و نیاز مشتری، تعویض سریع ذائقه‌های مشتریان، لزوم توجه به اصل رقابت‌پذیری و لزوم پایین آوردن زمان عرضه محصول، قیمت تمام شده و همچنین حفظ کیفیت از عوامل تأثیرگذار در صنایع تولیدی امروز است، لذا رویکرد مدلی که در این پژوهش ارائه خواهد شد، رویکرد چابکی است. پس می‌توان گفت هدف اصلی این تحقیق، ارائه مدل تکوین محصول با رویکرد چابکی برای فرش دست‌باف ایران به منظور احیاء و صنعتی‌سازی این محصول هنری-تاریخی است، چون با قدرت گرفتن این صنعت، علی‌الخصوص در شرایط امروزه کشور و ضرورت‌هایی همچون جلوگیری از واردات کالاهای غیرضروری و خروج ارز از کشور، بالا بردن درآمد و تولید غیرنفتی، تثبیت جمعیت روستایی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، خروج از رکود حاکم بر اقتصاد کشور و ایجاد اشتغال پایدار در سطح کشور می‌توان گامی مهم در رسیدن به پیشرفت اقتصادی، تاریخی و حتی هویت ملی برداشت.

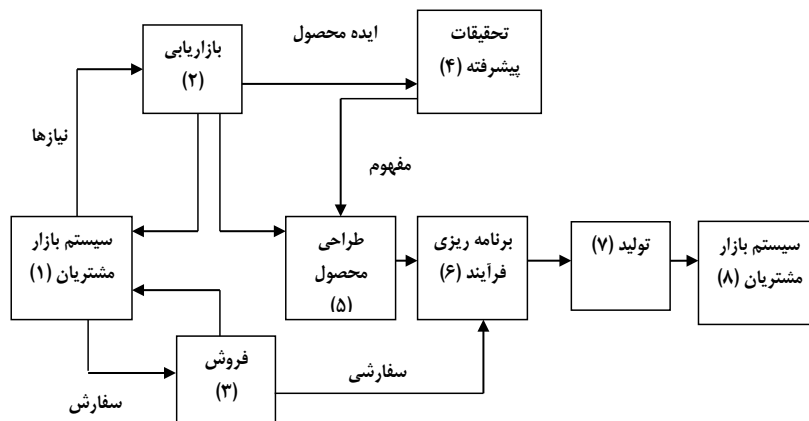
### ■ مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در دنیای کنونی، سازمان‌ها در فضایی به رقابت می‌پردازند که مؤلفه اصلی آن، عدم اطمینان و تغییر است. سازمان‌ها برای رویارویی با شرایط حاکم بر محیط کسب و کار، مجبور به بهره‌گیری از روش‌ها، تفکرات، راهبردها و سیستم‌های جدیدی هستند که با این محیط متلاطم هماهنگی داشته باشد. رقابتی شدن محیط تجاری، سازمان را به سمت تولید محصولاتی با کیفیت بیشتر، با قیمت کمتر، متنوع‌تر و از همه مهم‌تر مطابق با نیازهای مشتریان سوق می‌دهد. توجه به خواسته مشتریان و تولید محصولات مطابق با نیازهای جدید و روزافزون آن‌ها در اهم اهداف سازمان‌ها قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین انتظارات، تهیه محصولاتی با قیمت مناسب و در کمترین زمان ممکن است (فارس‌جانی و قهرودی، ۱۳۹۳: ۹۹). فرآیند تکوین محصول یک روش قاعده‌مند برای کسب اطمینان از تعریف، تعیین و اجرای اقدامات لازم در مراحل تکوین محصول است (نظامنامه تکوین محصول سازه‌گستر، ۱۳۸۴: ۴). در

سالیان گذشته، بر حسب نیاز، اندیشمندان در صنایع گوناگون برای تحقق اهداف مذکور به ارائه مدل‌های گوناگون تکوین و توسعه محصول پرداختند. انصاری و ممقانی (۱۳۹۰) با بررسی مدل توسعه محصول کوپر<sup>۱</sup> این طور بیان می‌کنند که این مدل در شش مرحله، از مرحله ایده‌یابی شروع و به تولید محصول منتهی می‌شود. این شش مرحله شامل ایده‌یابی، دست‌چینی ایده‌های به دست آمده، ارزیابی ایده‌ها از منظر بازار و اقتصادی، ارزیابی قبل از تولید، تأیید نهایی و تولید آزمایشی محصول و در نهایت ارزیابی کلی پروژه بر مبنای نمونه تولیدی است که هر یک از این شش مرحله، شامل فرآیندها و برنامه‌های هر فرآیند است.

المانسی<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) برای توسعه محصول جدید، مدلی را با نام مدل مرحله‌ای- دروازه‌ای<sup>۳</sup> معرفی می‌کند که این فرآیند استاندارد شامل پنج مرحله اصلی که از مرحله صفر شروع می‌شود، تشکیل شده است. این مراحل به ترتیب از مرحله صفر عبارتند از: کشف که منظور از آن، شناسایی فرصت‌ها و توانایی سازمان و شرکت است؛ تعیین محدوده که شامل ایده‌ی محصول و تعیین دامنه به منظور ارزیابی محصول است؛ در گام بعد، در صورت ایجاد چشم‌انداز روشن درباره‌ی ایده‌ی محصول، شرکت به سمت ساخت نمونه‌ی تجاری و تجزیه و تحلیل آن گام برمی‌دارد؛ در مرحله بعد، به نام توسعه، گروه توسعه‌ی محصول، طرح‌ریزی و برنامه‌های ایجاد شده در مراحل قبل را اعمال و اجرا می‌نماید؛ سپس در مرحله سنجش و تصدیق، بازخوردها درباره نمونه محصول تولیدی جمع‌آوری و بررسی می‌شود؛ در مرحله پایانی نیز محصول بعد از طی مراحل فوق، با اخذ استراتژی مناسب بازاریابی به بازار عرضه می‌شود. از مدل‌های معروف توسعه‌ی محصول جدید، مدل بوزالان و همیلتون است. این مدل که در سال ۱۹۸۲ ارائه شده است در واقع پایه و اساس شکل‌گیری بسیاری از مدل‌های ارائه‌شده در سالیان بعد بوده است. این دو با بیان تعریفی برای توسعه محصول جدید و این که شرکت‌ها غالباً خواهان نوآوری هستند چنین اشاره می‌کنند که نقطه‌ی آغازین نوآوری در توسعه‌ی محصول جدید و یا بازنگری در محصول گذشته است. مدل ارائه شده شامل هفت مرحله استراتژی، تولید ایده، غربالگری ایده، تحلیل فضای کسب و کار، توسعه، آزمون و تجاری‌سازی است. صمدی‌مقدم (۱۳۸۸) از روش طرح‌ریزی پیشاپیش کیفیت محصول<sup>۴</sup> به عنوان ابزاری توانمند در طراحی، تولید و ارائه‌ی محصولات باکیفیت و با قیمت مناسب یاد می‌کند. در واقع این روش فرآیندی نظام یافته با هدف ارائه‌ی محصولی مطابق با نیاز و خواسته مشتری و با دید کاهش هزینه‌های سازمانی است که توسط پیشگامان صنعت خودرو یعنی جنرال موتورز<sup>۵</sup>، فورد<sup>۶</sup> و کرایسلر<sup>۷</sup> تدوین شده است. مهربان (۱۳۷۷) در بیان اهداف این روش نظام‌مند به انتقال و تبدیل موارد مورد نیاز مشتریان به طراحی که سبب خشنودی بیش از اندازه‌شان می‌شود، یاد می‌کند. این فرآیند در قالب چهار مرحله اصلی به انضمام فرآیندهای معرفی شده است که این چهار فرآیند عبارتند از: برنامه و طرح اولیه، ایجاد طرح و فرآیندهای تولید، تأیید طرح و فرآیندهای تولید و در آخر، تولید و بهینه‌سازی مستمر. مدل توسعه‌ی عملکرد کیفی<sup>۸</sup> که با تلفیق رویکرد بازاریابی با مهندسی در ژاپن توسط یوجی آکائو<sup>۹</sup> (۱۹۷۵) معرفی شد، در واقع با استفاده از تکنیک بسط عملکرد کیفی محصول، به محض تشخیص و تعیین نیازهای مشتریان، خواسته‌های آن‌ها را در طراحی محصول اعمال می‌نماید. به بیان دیگر طی این فرآیند، خواسته‌های ذهنی مشتریان به زبان فنی- مهندسی ترجمه می‌شود. با به‌کارگیری این تکنیک سعی می‌شود از نخستین مراحل شکل‌گیری مفهوم محصول در ذهن مشتری و گسترش خواسته‌ها به همه‌ی مراحل تکوین محصول، موجبات ایجاد ارزش افزوده برای محصول فراهم شود. مراحل این مدل در قالب شکل ۱ قابل مشاهده است.





شکل ۱- مدل توسعه‌ی عملکرد کیفی (Akao & Mazur, 2003: 33)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نکته جالب توجه این مدل، فرآیند ارائه بازخوردها و اطلاعات از بخش‌های مختلف به بخش‌های مختلف دیگر، به ویژه سیستم بازار مشتریان است. این موضوع بیانگر همان اصل اعمال خواسته مشتریان در بخش‌های مختلف تکوین محصول است. از نکات جالب توجه دیگر این مدل به فاز ابتدایی و انتهایی یکسان می‌توان اشاره کرد که گواه دیگری از توجه ویژه به نظرات مشتریان هم در فاز اولیه که منجر به تولید محصول می‌شود و هم در فاز پایانی ارائه‌ی محصول به بازار است که در واقع آغازگر گام بهبود مستمر است. سایر مدل‌های تکوین و توسعه‌ی محصول مورد بررسی قرار گرفته در این پژوهش به همراه تمام مراحل در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های مدل‌های تکوین و توسعه محصول و خدمات

منبع	زیر شاخص‌ها
مدل شش مرحله‌ای توسعه‌ی محصول کوپر (انصاری، ممقانی، ۹۰، ۱۳۹۰)	۱- ایده‌یابی ۲- دست‌چینی ایده‌ها ۳- ارزیابی ایده از نظر بازار و اقتصادی ۴- ارزیابی نهایی قبل از تولید ۵- تأیید نهایی و تولید آزمایشی ۶- ارزیابی پروژه
مدل فرآیند توسعه‌ی محصول جدید مرحله‌ای- دروازه‌ای استاندارد (Elemancy, 2017, 1)	۱- کشف ۲- تعیین محدوده ۳- ساخت نمونه‌ی تجاری ۴- توسعه و پیشرفت ۵- تست و اعتبارسنجی ۶- راه‌اندازی
مدل توسعه‌ی محصول بوزالمن و همیلتون <sup>۱</sup> (حمیدزاده و دیگران، ۴، ۲۰۱۸)	۱- تجزیه و تحلیل ۲- مشخصات و نیازمندی‌ها ۳- طراحی ۴- پیاده‌سازی عملیاتی ساختن ۵- آزمایش و یکپارچه‌سازی ۶- عملیاتی ساختن و نگهداشت ۷- محصول نهایی
مدل طرح‌ریزی پیشاپیش کیفیت محصول (مهربان، ۱۳۷۷)	۱- مرحله‌ی اول ایجاد برنامه و طرح اولیه ۲- مرحله‌ی دوم ایجاد طرح و فرآیندهای تولید ۳- مرحله‌ی سوم تأیید طرح و فرآیندهای تولید ۴- مرحله‌ی چهارم تولید و بهینه‌سازی مستمر

مدل نگرش فرآیند طراحی محصول جدید Herzwurm, Schockert) QFD با تکنیک (Tauterat, 2015: 16)	۱- سیستم بازار مشتریان ۲- بازاریابی ۳- فروش ۴- تحقیقات پیشرفته ۵- طراحی محصول ۶- برنامه‌ریزی فرآیند ۷- تولید ۸- سیستم بازار مشتریان
مدل آبشاری، (Tutorialapoint, 2018)	۱- تجزیه و تحلیل خواسته‌ها و نیازها ۲- طراحی سیستم‌ها ۳- اجرا و عملیاتی شدن ۴- انجام آزمایشات ۵- توسعه ۶- نگهداشت
مدل ناب <sup>۱۱</sup> ، همان.	۱- حذف ضایعات ۲- تقویت یادگیری ۳- تصمیم‌گیری هرچه دیرنگام‌تر ۴- تحویل هرچه سریع‌تر ۵- توانایی تیم ۶- ایجاد یکپارچگی ۷- دیدن کل
مدل ۷، همان.	۱- خواسته‌ها و نیازهای کسب و کار ۲- مشخصات مورد نیاز سیستم ۳- طراحی سطوح بالا ۴- طراحی سطوح پایین ۵- کدگذاری ۶- کد نهایی ۷- تست واحد ۸- تست اجزا ۹- تست ادغام سیستم ۱۰- تست سیستم ۱۱- تست پذیرش
مدل حلزونی (اسپیرال) <sup>۱۲</sup> ، همان.	۱- برنامه‌ریزی ۲- تجزیه و تحلیل ریسک ۳- مهندسی و ۴- ارزیابی
مدل چرخه‌ی مونوزوکوری <sup>۱۳</sup> ، (پاورپوینت آموزشی معاونت سازمان طرح و برنامه، ۱۳۹۲)	۱- نیاز ۲- دانش چگونه ۳- انسانیت ۴- خلق ۵- نوآوری ۶- تکنولوژی ۷- تاریخچه
مدل دیارتمان علمی ماساچوست <sup>۱۴</sup> ، (Doc. mass, 2018)	۱- شناسایی نیاز یا مشکل ۲- تحقیقات درباره‌ی نیاز یا مشکل ۳- گسترش راه‌حل‌های ممکن ۴- انتخاب بهترین راه‌حل‌ها ۵- ساخت نمونه‌ی اولیه ۶- ارزیابی و تست راه‌حل‌ها ۷- برقراری ارتباط بین راه‌حل‌ها ۸- طراحی مجدد
مدل EIE <sup>۱۵</sup> ، (EIE, 2018)	۱- خواسته و نیاز ۲- تصور ۳- برنامه ۴- ساخت ۵- بهبود
مدل NCETE <sup>۱۶</sup> ، (Link Engineering, 2016)	۱- شناسایی نیاز یا مشکل ۲- ارزیابی و تست راه‌حل‌ها ۳- تحقیقات درباره‌ی نیاز یا مشکل ۴- طراحی مجدد ۵- ساخت نمونه‌ی اولیه ۶- گسترش راه‌حل‌های ممکن ۷- برقراری ارتباط بین راه‌حل‌ها ۸- انتخاب بهترین راه‌حل‌ها ۹- طراحی نهایی
مدل U Teach Engineering project، همان.	۱- شناسایی و نیاز ۲- توصیف نیاز ۳- تجزیه و تحلیل نیاز ۴- تولید مفهوم ۵- انتخاب مفهوم ۶- تجسم مفهوم ۷- آزمایش و ارزیابی مفهوم ۸- پالایش مفهوم ۹- نهایی‌سازی و به اشتراک گذاری ۱۰- گذر زمان، تکامل تکنولوژی، تغییر نیازها و تغییر طراحی
مدل فرآیند گسترش سیستم با (Infelectra, 2018). DOD 5000	۱- نیازهای مشتریان و فرصت‌های تکنولوژیکی ۲- اکتساب و فراگیری پیش سیستم‌ها ۳- پالایش مفهوم ۴- توسعه تکنولوژی ۵- اکتساب و فراگیری سیستم‌ها ۶- توسعه و اثبات درستی سیستم ۷- تولید و گسترش ۸- نگهداری ۹- عملیات و پشتیبانی
مدل شاخص‌های کلیدی توسعه‌ی خدمات جدید، (انصاری، ممقانی، ۱۳۹۰، ۶۰)	۱- توانمندسازی کارکنان ۲- تخصص‌مداری کارکنان ۳- انعطاف‌پذیری در قبال تغییرات ۴- ارتباطات درون و برون سازمانی ۵- فرهنگ سازمانی مناسب ۶- سرعت عمل سازمانی ۷- توجه مدیریت ارشد
مدل فرآیند ارائه‌ی خدمت جدید در سازمان‌های نوین، (جعفرنژاد، ۱۳۸۵، ۶۱)	۱- مفهوم خدمت ۲- بسته‌ی خدمت ۳- مشخصات عملکرد ۴- مشخصات طراحی ۵- مشخصات ارائه



شاید متنوع‌ترین بخش در ادبیات تحقیق، تعاریف چابکی باشد. ریشه‌ی واژه‌ی «چابک»، تولید چابک است که برای واکنش نسبت به تغییرات محیط کسب و کار و بهره‌برداری از آن تغییرات به‌عنوان فرصت معرفی شده است. در چنین محیطی هر سازمان باید توان تولید هم‌زمان محصولات متفاوت و با طول عمر کوتاه، طراحی مجدد محصولات، تغییر روش تولید، توان واکنش کارآمد به تغییرات را داشته باشد (جعفرنژاد، ۱۳۸۶). همانند مدل‌های تکوین و توسعه، مبحث چابکی نیز برای اندیشمندان بسیاری دارای جذابیت بوده است، به طوری که هر یک بر حسب نیاز سازمانی و زمینه‌ی تحقیقاتی، اقدام به ارائه و معرفی مدل‌های گوناگون چابکی نموده‌اند که هر یک از این مدل‌ها از مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی تشکیل شده است که این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- شاخص‌های مدل‌های چابک

منبع	زیر شاخص‌ها
مدل توانمندسازی‌های تولید چابک (فارس‌سیجانی، ۱۳۹۲)	۱- بنگاه مجازی ۲- تجارت الکترونیکی ۳- آزمون اولیه‌ی مدل‌سازی ۴- توانمندسازی کارکنان ۵- بهبود مستمر ۶- کارکنان منعطف و چند مهارته ۷- کارهای تیمی ۸- مهندسی هم‌زمان ۹- مدیریت تغییر و ریسک ۱۰- سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه‌ی کسب و کار
مدل مرجع چرخه‌ی تولید ناب مدیریت <sup>۱۷</sup> و فرانسیس <sup>۱۸</sup> ، (جعفرنژاد، ۲۰۰۸)	۱- راهبرد چابک ۲- فرآیندهای چابک ۳- کارکنان چابک ۴- روابط چابک
مدل مفهومی کید <sup>۱۹</sup> ، تولید چابک (فارس‌سیجانی، ۱۳۹۲)	۱- ساختارهای مدیریتی و سازمان نوآورانه ۲- زمینه‌ی مهارتی افراد با دانش و توانمندی ۳- فناوری منعطف و هوشمند ۴- یکپارچگی سازمان، افراد و فناوری
مدل ساختاری برای دست‌یابی به چابکی (Sharifi & Zhang, 1999: 20)	۱- محرک‌های چابکی تغییر در محیط بازار ۲- بررسی میزان نیاز سازمان به چابکی ۳- بررسی وضعیت موجود چابکی ۴- تجزیه و تحلیل ۵- راهبرد
مدل مفهومی مؤلفه‌های چابکی سازمان (Sharifi & Zhang, 1999: 16)	۱- فراهم کننده‌های چابکی ۲- توانمندی‌های چابکی ۳- محرک‌های چابکی
مبانی چابکی (Goldman, Nigel & Preiss, 1995)	۱- ارج نهادن به مشتری ۲- سازماندهی و ساختار مطلوب ۳- اهرمی نمودن اثر افراد و اطلاعات ۴- تشریح مساعی با سازمان‌ها
مدل چابکی گاناسکاران <sup>۲۰</sup> (Gunasekaran & Yusuf, 2002)	۱- شکل‌گیری مجدد بنگاه‌های مجازی پیمان استراتژیک ۲- مزیت اساسی ۳- مهندسی مجدد ۴- مهندسی هم‌زمان ۵- یکپارچگی زنجیره‌ی تأمین ۶- سیستم اطلاعاتی و کامپیوتری ۷- سخت‌افزارهای سریع روبات‌ها ۸- تغذیه‌کننده‌های منعطف ۹- قطعات جدید ۱۰- فیکس‌چرهای منعطف، CAD/CAM
پارادایم‌های تولید چابک گاناسکاران (Gunasekaran, 1999)	۱- استراتژی چابک ۲- منابع انسانی منعطف ۳- بازار چابک ۳- تکنولوژی مختلف
الگوی مفهوم چابکی (Christopher, 2001)	۱- چابکی سازمان (۱- هزینه، ۲- سرعت ۳- کیفیت ۴- انعطاف‌پذیری تولید ۵- پاسخگویی) ۲- چابکی تولید ۲- مشتریان ۳- رهبری، فرهنگ سیستم‌های پاداش ۴- اعضای سازمان ۵- تأمین‌کنندگان)
مدل یک سازمان چابک (Lin, Chiu & Tseng, 2005)	۱- نیازمندی‌های مشتری و ملاک‌های رقابتی ۲- ارکان توانمندسازهای چابکی



مدل چابکی شارپ (Wishnavi & Chetan, 2016)	۱- تولید چابک ۲- تولید پاسخ سریع ۳- تولید جهانی ۴- تولید سفارشی انبوه ۶- ارتقاء تولید و کیفیت ۷- شایستگی های اساسی ۷- بنگاه مجازی ۸- ساخت نمونه ی اولیه ۹- مهندسی همزمان ۱۰- افراد منعطف ۱۱- بهبود مستمر ۱۲- کار تیمی ۱۳- مدیریت ۱۴- فناوری اطلاعات ۱۵- توانمندسازها ۱۶- تغییرات مستمر ۱۷- پاسخگویی سریع ۱۸- ارتقاء کیفیت ۱۹- پاسخگویی اجتماعی ۲۰- تمرکز بر مشتریان ۲۱- پایه های رقابتی
مدل توانمندسازها (Yusuff, Sarhadi & Gunasekaran, 1999)	۱- مدیریت شایستگی های اساسی ۲- توانمندی شکل دهی مجدد ۳- پایگاه مبتنی بر دانش ۴- بنگاه مجازی
مدل چابکی هیلزبرگ <sup>۱۱</sup> ، (فارسیجانی، ۱۳۹۲)	۱- توانمندسازی های چابکی در شبکه ۲- توانمندسازهای چابکی در کسب و کار ۳- چابکی مطلوب کسب و کار
محورهای چابکی سازمان (جعفرنژاد، شهائی، ۱۳۸۹)	۱- توانمندسازهای چابکی ۲- محرک های چابکی ۳- قابلیت های چابکی
مدل چابکی داو <sup>۲۲</sup> (جعفرنژاد، شهائی، ۲۰۰۸)	۱- زیرساختار چابکی ۲- مهارت در زمینه ی تغییر ۳- مدیریت دانش
ابعاد چابکی (Meade & Sarkis, 1999)	۱- تسلط بر تغییرات و عدم اطمینان ۲- اغنای مشتری ۳- همکاری در جهت افزایش
مدل زنجیره ی چابک کریستوفر (Iska-nius, 2004)	۱- مجازی ۲- زنجیره ی تأمین ۳- یکپارچه سازی فرآیند ۴- مبتنی بر شبکه ۵- حساسیت بازار
مدل زنجیره ی تأمین چابک لین (Lin, 2005)	۱- محرک های چابکی ۲- اهداف زنجیره تأمین چابکی ۳- قابلیت چابکی ۴- توانمندسازهای چابک ۵- حساسیت بازاریابی / مشتری (مکانیزم)

کاتب (۱۳۹۲) در مقاله ی شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر رشد بنگاه های کوچک و متوسط صادرکننده ی فرش با ذکر این نکته که نقش بنگاه های کوچک و متوسط در اقتصاد، بهره وری و اشتغالزایی کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است، به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که علی رغم روند کاهشی صادرات صنعت فرش، چه عواملی باعث رشد برخی بنگاه های صادرکننده ی فرش شده است. پژوهشگران در انتهای این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که هر چه میزان نیازهای این بنگاه ها مانند دارا بودن انگیزه های رشد، سرمایه گذاری در خارج کشور و فعالیت های بازاریابی بیشتر باشند، رشد آنان نیز بیشتر می شود. «شناسایی و اولویت بندی عوامل موفقیت خوشه ی صنعتی فرش دستباف خراسان شمالی» عنوان مقاله ی علیزاده و شجاعی (۱۳۹۳) است که در آن، با اشاره به این نکته که صنعت فرش در سالیان اخیر با چالش های گوناگونی روبه رو بوده است بیان می دارند که نگاه جزءنگر نتیجه ای حاصل نخواهد کرد و صنعت فرش نیازمند نگرشی سیستمی است که آن را در بستر سیستم های نوین مدیریتی و مبتنی بر اولویت بندی های صحیح قرار دهد و ضمن بهبود عناصر، بیش از پیش بر بهبود روابط اجزای صنعت فرش دستباف و ایجاد هم افزایی میان آن ها تأکید کند. ماحصل این محاسبات نشان می دهد که در وضعیت فعلی، زیرساخت فیزیکی، حمایت دولت و تأمین کنندگان و در وضعیت مطلوب، شبکه های درونی، دسترسی به نیروی کار ماهر و بازاریابان دارای بیشترین اولویت برای موفقیت خوشه ی مورد مطالعه هستند. شهبازی منشادی و سالارزهی (۱۳۹۵) در مقاله ی شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های استراتژیک تأثیرگذار بر جایگاه برند ملی فرش دستباف ایرانی در بازار جهانی با استفاده از رویکرد تلفیقی تحلیل استراتژیک و تحلیل سلسله مراتبی به اولویت بندی و شناسایی مؤلفه های یاد شده پرداخته اند. بنا بر نتایج حاصل شده قابل اعتماد و شناخته شده بودن

برند فرش ایرانی نقطه قوت و بی‌توجهی به خواست، نیاز و سلیقه‌ی بازار جهانی بین عوامل داخلی به‌عنوان نقاط ضعف و لغو تحریم‌های بین‌المللی به عنوان فرصت و نیز ورود رقبای خارجی به‌عنوان تهدید محسوب می‌شوند. در ادامه نیز استراتژی‌هایی بر مبنای این نقاط ضعف و قوت ارائه شده است. در مقاله‌ی «مدل ساختاری تأثیر راهبرد رفتار فروش انطباقی بر اثربخشی بازاریابی: نقش میانجی تأکیدات بازاریابی در هنر-صنعت فرش دست‌باف» نوشته‌ی امینی و همکاران (۱۳۹۷) با ذکر این نکته که تغییر رفتار فروش در حین تعامل با مشتری بر اساس اطلاعات دریافت شده پیرامون ماهیت موقعیت مشتری، شناخت بیشتر نسبت به نیازها و خواسته‌های او، رضایت‌مندی مشتری و در نهایت اثربخشی بازاریابی شرکت‌ها را به ارمغان می‌آورد، هدف پژوهش خود را بررسی تأثیر راهبرد فروش انطباقی بر اثربخشی بازاریابی، با توجه به تأکید بر بازاریابی شرکت‌ها در حوزه‌ی هنر-صنعت فرش دست‌باف قرار داده است. نتایج نشان دادند که راهبرد رفتار فروش انطباقی بر اثربخشی بازاریابی و تأکیدات بازاریابی شرکت اثر مستقیم دارد.

### ■ روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی از نوع توصیفی-پیمایشی است، زیرا در پی درک یک مسأله است و می‌خواهد برای دست زدن به اقدام اصلاحی به خط‌مشی‌گذاران، رهنمودهای موثقی را ارائه دهد. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، شامل خبرگان صنعت فرش ایران مستقر در استان‌های تهران و البرز که دارای شرایط خبرگی (دانش و تجربه در موضوع، تمایل، زمان کافی برای شرکت در کار پژوهشی) است. در این تحقیق داده‌های کتابخانه‌ای که در جداول ۱ و ۲ قابل مشاهده است، با بررسی و مطالعه‌ی عمیق کتب، مجلات، پایگاه‌های اینترنتی و مقالات مرتبط به دست آمده است. به دلیل تعدد شاخص‌های شناسایی شده و به منظور شناسایی شاخص‌های مرتبط با موضوع، کاهش ورودی‌ها و هم‌چنین تعیین اهمیت ورودی‌ها نسبت به هم، از روش دلفی فازی بهره گرفته شده است. برای این منظور، به تهیه پرسش‌نامه (طیف پنج‌گانه‌ی لیکرت) بر مبنای شاخص‌های مستخرج جداول ۱ و ۲ مبادرت ورزیده شد تا در اختیار خبرگان قرار گیرد. جهت روایی پرسش‌نامه، چندین نسخه از آن در اختیار اساتید و خبرگان قرار داده شد و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادها آنان صورت پذیرفت. در روش دلفی تعداد جامعه خبرگان یا تعداد شرکت‌کنندگان، معمولاً کم‌تر از ۵۰ نفر و اکثراً ۱۵ تا ۲۰ نفر بوده است. هر چند در مقالات تعداد ۱۰ تا بیشتر از ۲۰۰۰ نفر را نیز گزارش نموده‌اند، اما در گروه‌های هم‌وزن<sup>۲۳</sup> معمولاً ۱۵-۱۰ نفر کافی است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). در این پژوهش نیز جامعه خبرگان مشتمل بر ۲۰ نفر است. بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و انجام محاسبات تکنیک دلفی فازی، شاخص‌های منتخب به دست خواهند آمد، اما در این قسمت از کار با توجه به این که شاخص‌های استخراج شده از مدل‌ها دارای عمومیت بودند و به طور اختصاصی نیازهای صنعت فرش دست‌باف را برای ارائه‌ی یک مدل تکوین محصول پشتیبانی نمی‌کردند، از روش داده‌بنیاد بهره جسته می‌شود. بدین صورت که به انجام مصاحبه‌های باز با خبرگان با استفاده از پرسش‌نامه‌ی طراحی شده تا رسیدن به اشباع نظریه اقدام می‌شود. در گام بعدی نیز با استفاده از نرم‌افزار اطلس<sup>۲۴</sup> نسخه‌ی ۸ و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده و وارد کردن شاخص‌های منتخب روش دلفی فازی به نرم‌افزار به‌عنوان کدهای آزاد<sup>۲۵</sup> به دسته‌بندی و ایجاد روابط فی‌مابین مبادرت ورزیده می‌شود. در پایان تجزیه و تحلیل‌ها نیز مدل مفهومی پژوهش ارائه می‌شود. در ادامه به منظور آشنایی با مراحل روش دلفی فازی توضیحاتی مختصر ارائه شده است.

## ● روش دلفی فازی

این روش که ترکیبی از روش دلفی و نظریه مجموعه‌های فازی است، به وسیله‌ی ایشیکاوا<sup>۲۶</sup> و همکاران در سال ۱۹۹۳ ارائه شد. گام‌های روش دلفی به شرح زیر است: (Bouzon, Govidan & Rodrigues, 2016: 187)

گام ۱- شناسایی شاخص‌های مدل‌های تکوین، توسعه محصول و خدمات و چابکی که در جداول ۱ و ۲ قابل رؤیت است.

گام ۲- جمع‌آوری نظرات متخصصان تصمیم‌گیرنده: در این گام، بعد از شناسایی شاخص‌های مذکور، تیم تصمیم‌گیری متشکل از خبرگان مرتبط با موضوع پژوهش تشکیل شده و پرسش‌نامه‌ای به منظور تعیین مرتبط بودن شاخص‌های شناسایی شده با موضوع اصلی تحقیق برای آن‌ها ارسال شد که در آن از متغیرهای زبانی برای اهمیت هر شاخص استفاده شد. انواع مختلفی از اعداد فازی مثل اعداد فازی مثلثی، دوزنقه‌ای و نمایی وجود دارند. در این پژوهش، از اعداد فازی مثلثی که به دفعات به دلیل سادگی در فهم آن مورد توجه پژوهشگران مختلف قرار گرفته است، بهره‌گیری شد.

جدول ۳- عبارات‌های کلامی تکنیک فازی

عبارات زبانی	اعداد فازی مثلثی
خیلی کم	(۳، ۱، ۱)
کم	(۵، ۳، ۱)
متوسط	(۷، ۵، ۳)
زیاد	(۹، ۷، ۵)
خیلی زیاد	(۱۱، ۹، ۷)

(Wang, Chin, Poon & Yang, 2009: 2009)

گام ۳- تأیید شاخص‌های پراهمیت: این کار از طریق مقایسه مقدار ارزش اکتسابی هر شاخص با مقدار آستانه صورت می‌پذیرد. مقدار آستانه از چند طریق قابل تعیین است ولی استفاده از مقدار میانگین ارزش شاخص‌ها به عنوان مقدار آستانه، یکی از قابل‌اتکاترین روش‌ها است. ابتدا نظر کارشناسان در مورد شاخص‌ها که به وسیله‌ی عبارات کلامی و در قالب پرسش‌نامه جمع‌آوری شده به وسیله اعداد فازی به سه سطح بدبینانه (L)، محتمل (M)، خوش‌بینانه (U) شد.

رابطه‌ی ۱- تبدیل عبارات کلامی به اعداد فازی

$$(0A_i = (a_l^{(i)}, a_m^{(i)}, a_u^{(i)}))$$

که در آن  $(a_l^{(i)})$  بیانگر مقدار بدبینانه،  $(a_m^{(i)})$  نظر محتمل و  $(a_u^{(i)})$  نظر خبره نام در مورد هر شاخص است.

گام ۴- در این مرحله میانگین هندسی نظرات خبرگان در خصوص هر شاخص از طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$\begin{aligned}
 (A_i &= (L_i, M_i, U_i)) \\
 (L_i &= \min(a_l^{(i)})) \\
 (M_i &= (\prod_{i=1}^n a_m^{(i)})^{1/n}) \\
 (U_i &= \max(a_u^{(i)}))
 \end{aligned}$$

رابطه‌ی ۲- محاسبه‌ی میانگین هندسی نظرات

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ( $L_i$ ) بدبینانه‌ترین نظر در بین نظر خبرگان مربوط به یک شاخص است، ( $M_i$ ) میانگین هندسی نظرات خبرگان در مورد یک شاخص بوده و ( $U_i$ ) خوش‌بینانه‌ترین نظر در بین نظرات تمامی خبرگان در خصوص یک شاخص است. در گام آخر، با استفاده از دیفازی کردن نظرات خبرگان در خصوص هر شاخص با استفاده از رابطه‌ی زیر، به تصمیم‌گیری در خصوص شاخص‌ها پرداخته می‌شود.

$$A_i = \frac{L_i + 2M_i + U_i}{4}$$

رابطه‌ی ۳- فازی زدایی اعداد فازی

بعد از محاسبه‌ی مقادیر فوق، مقدار فازی زدایی شده با مقدار حد آستانه مقایسه و به مرحله‌ی اصلی تصمیم‌گیری وارد و یا رد می‌شود (عرب، همکاران، ۲۱: ۱۳۹۷).

### • تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

به منظور انتخاب شاخص‌ها از بین شاخص‌های به دست آمده از روش کتابخانه‌ای موجود در جداول ۱ و ۲، از روش دلفی فازی استفاده شد. در این مرحله، مدل مفهومی، همراه با شرح زیرشاخص‌ها به اعضای گروه خبره (۲۰ نفر) ارسال شده و میزان موافقت آن‌ها با هر کدام از شاخص‌ها در قالب طیف پنج‌گانه‌ی لیکرت اخذ شد و نقطه نظرات پیشنهادی و اصلاحی آن‌ها تقسیم‌بندی شد، میانگین قطعی به دست آمده نشان‌دهنده‌ی شدت موافقت خبرگان با هر کدام از شاخص‌های پژوهش است. در گام بعد، پرسشنامه‌ی دوم تهیه شد و همراه با نقطه‌نظر قبلی هر فرد و میزان اختلاف آن‌ها با دیدگاه سایر خبرگان، مجدداً به اعضای گروه خبره ارسال شد. در مرحله‌ی دوم، اعضای گروه خبره با توجه به نقطه‌نظرات سایر اعضای گروه مجدداً به سؤالات ارائه شده پاسخ دادند. در اینجای کار، تعدادی از شاخص‌ها به دلیل کسب نمره‌ی بالاتر از میانگین کل و همچنین میانگین اختلافی کم‌تر از ۰/۲ مورد پذیرش قطعی قرار گرفتند؛ اما در باب شاخص‌هایی که با وجود برتری نسبت به میانگین کل، اختلاف میانگین‌های آن‌ها از ۰/۷ بیشتر بود، به منظور بررسی بیشتر و رسیدن به اجماع نظر، مجدداً برای نظرسنجی همانند دور قبلی برای خبرگان ارسال شد تا یک جمع‌بندی کلی و همگرایی آرا به دست آید. در پایان انجام مرحله‌ی سوم نظرسنجی، میزان اختلاف نظر خبرگان در مراحل دوم و سوم کمتر از حد آستانه ۰/۲ شد، لذا نظرسنجی در این مرحله متوقف شد. شاخص‌های منتخب خبرگان در قالب جدول ۴ به نمایش درآمده است.

همان‌طور که مشاهده شد، از ۱۴۷ شاخص استخراجی در مراحل اول، بعد از غربالگری به روش دلفی و با استفاده از نظر خبرگان، ۴۷ شاخص انتخاب شدند که در ارائه‌ی مدل از آن‌ها بهره گرفته می‌شود. در گام بعدی، به منظور شناسایی شاخص‌های اختصاصی صنعت فرش دست‌باف و دسته‌بندی شاخص‌ها از روش داده بنیاد استفاده شد. به این صورت که اقدام به انجام مصاحبه‌های باز با خبرگان با استفاده از پرسش‌نامه‌ی دوم محقق‌ساخته شد. این کار تا رسیدن به اشباع نظری (مرحله‌ای که دیگر مقوله‌ی جدیدی یافت نشود) ادامه پیدا کرد که این امر با اتمام مصاحبه ششم محقق شد. در نتیجه، ۳۱ کد باز که حاصل مصاحبه با خبرگان این صنعت هستند، با استفاده از فرآیند کدگذاری در نرم‌افزار اطلس نسخه‌ی ۸ به دست آمد (جدول ۵).

جدول ۴- شاخص‌های انتخابی به روش دلفی فازی

ردیف	نام شاخص	ردیف	نام شاخص
۱	بررسی منافع اقتصادی سازمان	۲۵	ایجاد بانک اطلاعاتی
۲	ایده‌یابی	۲۶	بازاریابی
۳	کاهش زمان فرآیند توسعه	۲۷	تولید
۴	دست‌چینی ایده	۲۸	تجزیه و تحلیل خواسته‌ها و نیازها
۵	تجزیه و تحلیل ریسک	۲۹	تقویت یادگیری
۶	نوآوری	۳۰	ایجاد یکپارچگی
۷	فروش	۳۱	کدگذاری
۸	تحقیقات درباره‌ی نیاز یا مشکل	۳۲	ارزیابی نهایی قبل از تولید و تصدیق طراحی
۹	طراحی	۳۳	طراحی مجدد
۱۰	فرآیندهای چابک	۳۴	طراحی نهایی
۱۱	کارکنان چابک	۳۵	شناسایی نیاز یا مشکل
۱۲	روابط چابک	۳۶	توصیف نیاز
۱۳	تشریح مساعی با سازمان‌ها	۳۷	ارج نهادن به مشتری
۱۴	منابع انسانی منعطف	۳۸	استراتژی چابک
۱۵	نیازمندی‌های مشتری ملاک‌های رقابتی	۳۹	چابکی تولید
۱۶	استراتژی چابک	۴۰	سیستم‌های اطلاعاتی
۱۷	کارکنان چابک	۴۱	ارتقا تولید و کیفیت
۱۸	مهارت در زمینه‌ی تغییر	۴۲	شایستگی‌های اساسی
۱۹	محصول نهایی	۴۳	بهبود مستمر
۲۰	ایجاد برنامه و طرح اولیه	۴۴	یکپارچگی زنجیره‌ی تأمین
۲۱	تولید و بهینه‌سازی مستمر	۴۵	مدیریت دانش
۲۲	انجام ارزیابی به وسیله‌ی بازار، مشتریان، طبیعت	۴۶	اغنا‌ی مشتری
۲۳	کاهش هزینه‌ی معرفی محصول به بازار	۴۷	تسلط بر تغییرات و عدم اطمینان
۲۴	افزایش سطح رضایت مشتریان		



جدول ۵- کدهای باز به دست آمده از روش داده‌بنیاد

ردیف	کد	تعداد استناد
۱	ارائه‌ی نمونه‌ی محصول	۲
۲	ارتقاء تولید و کیفیت	۴
۳	بازاریابی پویا	۱۸
۴	بهبود شرایط کاری	۱۳
۵	تبلیغات و شناساندن محصول	۱۲
۶	تشخیص فرصت و خلق ایده‌های خلاقانه	۴
۷	تشویق برای سرمایه‌گذاری	۱۵
۸	تضمین کیفیت و قیمت مواد اولیه	۹
۹	تعیین اهداف استراتژیک و خط‌مشی‌ها	۵
۱۰	تقویت یادگیری	۴
۱۱	توجه به صادرات	۱۲
۱۲	افزایش سطح رضایت مشتریان	۲
۱۳	تولید غیر متمرکز	۴
۱۴	ثبت نقشه‌ها و طرح‌ها	۲
۱۵	جلوگیری از پیدایش عیوب تولید	۳
۱۶	حذف اتلاف‌ها	۲
۱۷	در نظر گرفتن بازار هدف	۱۵
۱۸	در نظر گرفتن شایستگی‌های اساسی	۹
۱۹	در نظر گرفتن نیازمندی‌های مشتری و ملاک‌های رقابتی	۱۴
۲۰	دید آکادمیک و کارشناسی	۴
۲۱	رنگ و ابعاد متنوع	۸
۲۲	زنجیره‌ی تأمین مطمئن و کارآمد	۳
۲۳	صنعتی شدن مراحل تولید	۵
۲۴	طراحی به‌روز و پویا	۱۵
۲۵	کاهش بهای تمام شده	۲
۲۶	مدیریت دانش و جریان اطلاعات	۷
۲۷	مدیریت و رهبری	۱۴
۲۸	مشخص کردن المان‌ها و مشخصات تولید و مواد اولیه	۴

ردیف	کد	تعداد استناد
۲۹	نظارت عمیق و چابک	۲
۳۰	هماهنگی بخش‌های تولیدی	۱۰
۳۱	هماهنگی سازمان‌های مرتبط	۷

در گام بعدی، ۳۱ کد به دست آمده از روش داده بنیاد (کدگذاری‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها- مندرج در جدول ۵)، بر اساس روابط کشف شده در داده‌ها به فازهای متداول و معمول در مدل‌های تکوین دسته‌بندی می‌شوند. کدها باید به شکل بارزتری نمایانگر محتوای فازهای مدل تکوین محصول باشند. بدین منظور، مفاهیم ۳۱ کد باز به دست آمده از مصاحبه‌ها، به همراه ۴۷ شاخص به دست آمده از روش دلفی فازی (مندرج در جدول ۴) که به صورت کدهای آزاد وارد نرم‌افزار اطلس شده‌اند، به روش کدگذاری محوری، طبقه‌بندی شدند که نتیجه‌ی این طبقه‌بندی در قالب جدول ۶ پدیدار است.

جدول ۶- کد گذاری محوری شاخص‌ها

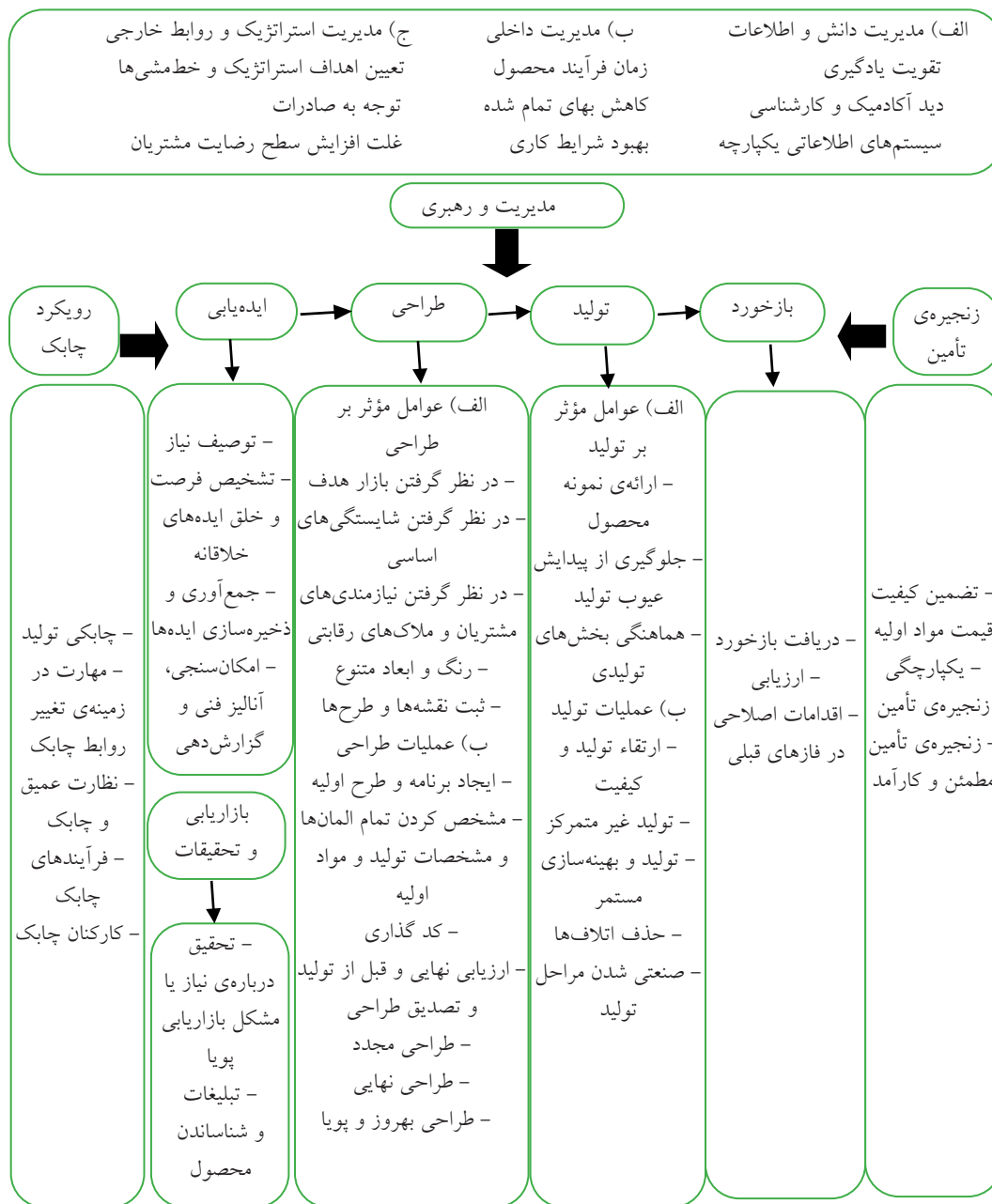
ردیف	فاز اصلی	فاز فرعی	شاخص
۱		مدیریت استراتژیک و روابط خارجی	افزایش سطح رضایت مشتریان
۲			تعیین اهداف استراتژیک و خط‌مشی‌ها
۳			توجه به صادرات
۴			هماهنگی سازمان‌های مرتبط
۵	مدیریت و رهبری	مدیریت داخلی	بهبود شرایط کاری
۶			کاهش بهای تمام شده
۷			کاهش زمان فرآیند توسعه‌ی محصول
۸			تشویق برای سرمایه‌گذاری
۹			تقویت یادگیری
۱۰			دید آکادمیک و کارشناسی
۱۱			سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه
۱۲	ایده‌یابی و دست‌یابی به ایده توصیف نیاز جمع‌آوری و ذخیره‌سازی ایده‌ها امکان‌سنجی، آنالیز فنی و گزارش‌دهی		تشخیص فرصت و خلق ایده‌های خلاقانه
۱۳			
۱۴			
۱۵			
۱۶	بازاریابی و تحقیقات تبلیغات و شناساندن محصول تحقیق درباره نیاز یا مشکل		بازاریابی پویا
۱۷			
۱۸			



ارتقا تولید و کیفیت	ملاحظات	تولید	۱۹		
تولید غیر متمرکز			۲۰		
تولید و بهینه‌سازی مستمر			۲۱		
حذف اتلاف‌ها			۲۲		
صنعتی شدن مراحل تولید			۲۳		
ارائه‌ی نمونه‌ی محصول	عملیات		۲۴		
جلوگیری از پیدایش عیوب تولید			۲۵		
هماهنگی بخش‌های تولیدی			۲۶		
تضمین کیفیت و قیمت مواد اولیه	زنجیره‌ی تأمین زنجیره‌ی تأمین مطمئن و کارآمد یکپارچگی زنجیره‌ی تأمین		۲۷		
			۲۸		
			۲۹		
در نظر گرفتن بازار هدف	عوامل مؤثر		۳۰		
در نظر گرفتن شایستگی‌های اساسی			۳۱		
در نظر گرفتن نیازمندی‌های مشتریان و ملاک‌های رقابتی			۳۲		
رنگ و ابعاد متنوع			۳۳		
ثبت نقشه‌ها و طرح‌ها			۳۴		
ایجاد برنامه و طرح اولیه	طراحی		۳۵		
ارزیابی نهایی قبل از تولید و تصدیق طراحی			۳۶		
مشخص کردن تمام المان‌ها و مشخصات تولید و مواد اولیه			۳۷		
کدگذاری			۳۸		
طراحی به‌روز و پویا			۳۹		
طراحی مجدد	اجرا		۴۰		
طراحی نهایی			۴۱		
فرآیندهای چاپک			رویکرد چاپک چاپکی تولید نظارت عمیق و چاپک مهارت در زمینه‌ی تغییر کارکنان چاپک روابط چاپک		۴۲
					۴۳
					۴۴
	۴۵				
	۴۶				
	۴۶				
	۴۷				



حال که تمام کدگذاری انجام شد، به وسیله‌ی قابلیت ترسیم شبکه تعریف روابط بین شاخص‌ها در نرم‌افزار اطلس اقدام به ترسیم مدل مفهومی پژوهش می‌شود، که در قالب شکل ۲ قابل مشاهده است.



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش

## ■ بحث و نتیجه‌گیری

صنعت فرش دست‌باف ایران اهمیت و نقش اساسی در سهم اقتصاد داشته و رونق‌گیری این صنعت موجب شکوفایی اقتصادی، تثبیت جمعیت روستایی، ایجاد اشتغال و ارزآوری می‌شود. این صنعت به سبب پیشینه‌ی تاریخی، می‌تواند با رونق خود، ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز بهبود بخشد. با این که در سالیان گذشته، این کالا با کاهش صادرات و از دست دادن بازارهای بین‌المللی و گاه بازار داخلی مواجه شده است، ولی به پشتوانه‌ی نخبگان و فعالان صنعت می‌توان با بهره‌جویی از روش‌های علمی، درک صحیح از خواسته و نیاز مشتری، کاهش بهای تمام شده و همچنین ایجاد مدیریت قدرتمند و یکپارچه‌سازی، آینده‌ای روشن برای این صنعت متصور شد. لذا این پژوهش با هدف شناسایی شاخص‌ها و ابعاد تأثیرگذار بر زنجیره‌ی تولید فرش دست‌باف و همچنین ارائه‌ی چهارچوب و استاندارد از رویه‌ها و روش‌ها در قالب مدل تکوین محصول، با استفاده از نتایج تحقیقات اندیشمندان این زمینه و اضافه کردن مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که به وسیله‌ی نظر خبرگان این صنعت حاصل شده است، شکل گرفت. مدل ارائه شده در این پژوهش، محصول تلفیق شاخص‌های به دست آمده از دو روش مختلف است. ۴۷ شاخص به دست آمده از روش دلفی فازی که از بین ۱۴۷ شاخص مدل‌های معروف ارائه شده در صنایع و سازمان‌های گوناگون توسط محققان بوده است، به نوعی رویکرد بهینه‌گزینی را دارا هستند.

در مورد شاخص‌های به دست آمده از بطن مصاحبه‌های عمیق با خبرگان این صنعت که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، شاهد استخراج ۳۱ کد و یا به بیان ساده‌تر عبارت کلامی بودیم که با توجه به رویکردهای مصاحبه‌ها، بیانگر دغدغه و معضلات صنعت فرش است. با نگاهی دیگر می‌توان گفت که نبود یا توجه کم و ناکافی به هر یک از این شاخص‌ها باعث به وجود آمدن مسائل عدیده‌ای در صنعت مدنظر شده است که تعداد استندهای هر یک از این عبارات به نوعی بیانگر هم‌گرایی نظرات دغدغه‌مند خبرگان در آن موضوع و اهمیت آن شاخص است. با توجه به فزاینده‌ی انجام شده، فعالان صنعت فرش، بسته به نوع و حیطة فعالیت خود می‌توانند با در نظر گرفتن هر یک از این شاخص‌ها به‌عنوان موارد مهم مطروحه، نسبت به برنامه‌ریزی، اقدام در راستای آن و پایش نتایج حاصل اقدام نمایند. در خصوص مدل ارائه شده که شامل ۸ فاز اصلی است، توضیحاتی در مورد هر فاز ارائه می‌شود:

۱- در مورد فاز مدیریت و رهبری که خود به سه فاز فرعی مدیریت استراتژیک، مدیریت داخلی و مدیریت دانش و جریان اطلاعات تقسیم شد، پیشنهاد می‌شود که با تشکیل تیم مدیریت و رهبری کلان، با مدنظر قرار دادن شاخص‌هایی هم‌چون توجه به صادرات و افزایش سطح رضایت مشتریان اقدام به تعیین اهداف استراتژیک و خط‌مشی‌های این صنعت شود و صنعتگران این رشته بر مبنای این اهداف و خط‌مشی‌ها به فعالیت خود ادامه داده و یا فعالیت خود را تسهیل نمایند. در ضمن، چنین مدیریت واحدی می‌تواند با اخذ تصمیمات، بر پایه دانش آکادمیک، به‌روز و مرتبط با صنعت به ایجاد بانک‌های اطلاعاتی و صیانت از دانش و تجربه کم‌نظیر این صنعت کمک کند و با بهبود شرایط کاری و فراهم آوردن و تسهیل راه‌های سرمایه‌گذاری، افراد دخیل در این صنعت را جهت ادامه و گسترش فعالیت خود تشویق نماید.

پیاده‌سازی این فاز باعث ایجاد هم‌گرایی در تصمیمات بر مبنای دیدگاه مشتری‌محور و گسترده می‌شود. بعد از ایجاد و فعال‌سازی فاز اصلی مدیریت و رهبری که خود به سه فاز فرعی مدیریت دانش و جریان اطلاعات، مدیریت داخلی و مدیریت استراتژیک و روابط خارجی تقسیم‌بندی شد می‌توان انتظار حصول نتایج زیر را از دیدگاه پژوهشگران این مقاله برای این صنعت داشت:

■ ایجاد هم‌گرایی در تصمیمات و جلوگیری از به وجود آمدن رانت حاصل از عدم نظارت واحد و حذف

واسطه‌گری با ایجاد مدیریتی واحد و علمی؛

▪ تثبیت جمعیت روستایی، بهبود سرانه‌ی اقتصادی خانوارهای روستایی از طریق ایجاد درآمد پایدار و کاهش روند مهاجرت به شهرها با اجرای مدیریت داخلی با تأکید بر بهبود شرایط کاری فعالان این صنعت و اجرای طرح‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری؛

▪ رشد صادرات و در نتیجه افزایش درآمد غیرنفتی کشور و حرکت به سوی ارکان اقتصاد مقاومتی با اجرای مدیریت استراتژیک و تمرکز بر بهبود و ایجاد روابط بین‌المللی که منجر به ایجاد بازارهای جدید و حفظ بازارهای فعلی شود؛

▪ مدون‌سازی تجربیات و دانش بومی و تجربی به صورت علمی با هدف ایجاد مزیت رقابتی این صنعت در رقابت با سایر کشورهای فعال از طریق مدیریت دانش و جریان اطلاعات؛

۲- حضور مستمر و رصد پیوسته بازار مصرف مختلف توسط تیم بازاریابی و دریافت و جمع‌آوری اطلاعات بازارهای مختلف باعث حفظ بازارهای مصرف موجود و یافتن بازارهای جدید می‌شود. این مهم را می‌توان با پیاده‌سازی فاز بازاریابی و تحقیقات تحقق بخشید. این فاز همچنین وظیفه‌ی تبلیغات و شناساندن محصول و از طرق گوناگون همچون برپایی نمایشگاه‌ها را دارا است. می‌توان انتظار داشت که با تحقق این فاز اصلی پیامدهای زیر اتفاق بیفتند:

▪ دست یافتن به اطلاعات بازارهای مختلف به صورت پیوسته و امکان دست‌یابی تحلیل نیازهای ملموس و غیر ملموس مشتریان از طریق انجام دادن تحقیقات مستمر درباره نیاز و یا مشکل موجود در بازار و محصولات؛

▪ شناساندن محصول به مشتری و آگاهی بخشیدن در خصوص مزایای محصول تولیدی و تبدیل مشتریان بالقوه به بالفعل و تصرف بازارهای جدید با انجام پیوسته تبلیغات و شناساندن محصول تولیدی؛

▪ حفظ مشتریان بازارهای تحت پوشش کنونی با ارضاء خواسته‌ی آن‌ها در زمان مقتضی با ایجاد ارتباط پیوسته و مستمر.

۳- فاز اصلی ایده‌پردازی و دست‌یابی ایده که به سبب تجانس شاخص‌ها به فاز فرعی تقسیم نشد، در اغلب مدل‌هایی که بر پایه‌ی تغییرات سریع ذائقه و خواست مشتری یا به عبارت دیگر بر مبنای رویکرد چابک بنا شده‌اند، یافت می‌شود. با تشکیل این‌بخش می‌توان به ایده‌پردازی بر مبنای اطلاعات روز بازار و سنجش این ایده‌ها بر مبنای معیارهای مختلف پرداخت. ضرورت راه‌اندازی این‌بخش از این جهت بارز است که در بسیاری مواقع نیازها و خواسته‌های بازار که به فرصت‌های بزرگ بازار تبدیل می‌شوند، ملموس نبوده و با ژرف‌نگری و استفاده از ابزارهای تخصصی هم‌چون مهندسی احساس، امکان‌پذیر است. خروجی این‌بخش که شامل ایده‌های سنجیده و قابل پیاده‌سازی است، ورودی بخش مهم طراحی این صنعت است. با پیاده‌سازی این فاز می‌توان انتظار موارد زیر را داشت:

▪ شناسایی فرصت‌های ایجاد شده در بازار منجر به تسخیر بازار زودتر از سایر رقبا در زمان مقتضی از طریق رصد پیوسته بازار و تحلیل آن می‌شود؛

▪ بررسی و ارزیابی ایده‌ها بر مبنای ظرفیت‌های موجود و انتخاب طرح‌های مناسب از منظرهای گوناگون و به تبع آن جلوگیری از هدررفت سرمایه و اتلاف زمان با استفاده از روش‌های امکان‌سنجی.

۴- فاز اصلی طراحی جلوه‌گر فیزیکی فازهای ماقبل خود است. این فاز اصلی به سبب رعایت تجانس به دو فاز فرعی ملاحظات طراحی و عملیات طراحی تقسیم شده است. از پیشنهادها و پژوهشگران این مقاله این است که فعالان این‌بخش از صنعت با توجه به اطلاعات فازهای تولید محتوا مانند فازهای بازاریابی و تحقیقات و ایده‌یابی و دست‌یابی به ایده و همچنین منطبق بر خط‌مشی‌ها و اهداف مدیریت کلان اقدام به طراحی نقشه‌ی



اولیه بنمایند. نکته‌ی دیگر پیشنهادی این است که طراحان بر مبنای سیستم و استاندارد یکتا اقدام به مشخص کردن و کدگذاری رنگ‌ها، مواد اولیه‌ی مناسب برای قسمت‌های مختلف طراحی خود کنند. در این‌بخش تأکید بر انجام طراحی، همانند فرآیند بازاریابی به‌عنوان امری مستمر و پویا است. از طرف دیگر، تأکید این فاز بر انجام طراحی به صورت آزمایشی، اولیه و بعد از آن نهایی و دریافت اطلاعات بازخوردی از قسمت‌های مختلف مجموعه و مشتریان به سبب انجام طراحی مجدد و اصلاحی بر مبنای بازخوردها است. با پیاده‌سازی چنین روندی انتظار می‌رود موارد زیر محقق شود:

- انجام طراحی با در نظر گرفتن ملاحظات ذکر شده یعنی طراحی محصول منطبق بر نظر مشتری و نتیجه‌ی این موضوع فروش بالاتر محصولات در بازارهای مختلف از طریق طراحی آنچه بازار می‌طلبد است؛
- انجام کدگذاری و مشخص کردن دقیق و با ذکر استاندارد و جزئیات طراحی به جلوگیری از ایرادهای پیش آمده مربوط به عدم ذکر جزئیات در طراحی سنتی و ایرادهای بافت مانند به وجود آمدن پدیده چند رنگی در محصول تولیدی منجر می‌شود؛

- طراحی در رنگ و ابعاد مورد خواست هر بازار و در نتیجه عدم کوربافی، می‌تواند تا حد بالایی فروش را افزایش داده و موجب رضایت مشتری و عدم واگذاری بازار به رقبا شود؛

- بهبود مستمر طرح‌های پیشین و به‌روزرسانی آن‌ها بر مبنای اطلاعات دریافتی از بازار که منتج به افزایش مشتری‌مداری و امکان رقابت‌پذیری می‌شود.

۵- در مورد فاز اصلی تولید که همانند فاز طراحی در بردارنده‌ی دو فاز فرعی ملاحظات و عملیات است، در فاز فرعی ملاحظات، به عواملی اشاره داشته‌ایم که مد نظر قرار دادن آن‌ها سبب افزایش بهره‌وری، و انعطاف‌پذیری تولید و محصولات می‌شود. در فاز فرعی عملیات این مدل، توجه بیشتر بر رکن جلوگیری از ایرادات بافت است، معهود بودن شاخص‌های این فاز را می‌توان به این علت مرتبط دانست که کارشناسان به اتفاق معتقد هستند صنعت فرش ایران از بافندگان بسیار باتجربه و هنرمند بهره می‌گیرد و به عبارتی این امر یکی از نقاط قوت این صنعت است و با لحاظ کردن نظارت‌های کیفی، می‌توان از ایرادهای پیش آمده اجتناب کرد. ثمره‌ی ایجاد این فاز در موارد زیر اشاره می‌شود:

- توانایی تولید سفارشی بر مبنای ارائه‌ی نمونه محصول به مشتری؛
- توجه به اصل تولید غیرمتمرکز که منجر به ایجاد اشتغال در مناطق روستایی و اشتغال زنان خانه‌دار می‌شود؛
- تولید کالای باکیفیت و بدون ایراد و به تبع آن رضایت حداکثری مشتری از طریق اعمال نظارت عمیق و چابک؛
- کاهش زمان تولید محصول با مدنظر قرار دادن مبحث صنعتی‌سازی؛

- حذف اتلاف‌های زمانی در چرخه‌ی تولید و ایجاد هم‌افزایی با ایجاد هماهنگی بین‌بخش‌های تولیدی.

۶- بیشترین توجه فاز زنجیره‌ی تأمین در مدل ارائه شده بر مبنای تضمین کیفیت مواد اولیه از تأمین‌کنندگان معتبر و با ایجاد روابط بلندمدت و پیوسته با عبور از فیلترهای وضع شده کیفی است. از مزایای مورد انتظار پیاده‌سازی این فاز به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

- دستیابی به مواد اولیه‌ی باکیفیت از طریق ایجاد روابط بلندمدت و پایدار با تأمین‌کنندگان؛
- کاهش بهای تمام شده‌ی محصول تولیدی از طریق حذف واسطه‌گری در زنجیره‌ی تأمین.

۷- در مورد فاز چابکی که رویکرد غالب در این مدل است، شاهد تأثیرگذاری این فاز بر تمامی فازهای دیگر مدل هستیم. این مهم این گونه تفسیر می‌شود که شاخص‌های شکل‌دهنده‌ی این فاز باید به طور پیوسته در هر یک از

فازهای دیگر این مدل متجلی و به کار گرفته شود. موارد زیر مورد انتظار پژوهشگران این پژوهش در این فاز هستند:

- توانایی پاسخ سریع‌تر به نیاز مشتری و بازار؛
  - هماهنگی سریع‌تر با قوانین و مشکلات پیش آمده محیطی؛
  - خلاقیت و کشف فرآیندهایی که باعث ایجاد مزیت و شایستگی‌های اساسی در سیستم تولیدی می‌شود.
- ۸- فاز بازخورد به این سبب به مدل اضافه شد که این مدل نیز مانند تمامی مدل‌ها نیازمند بررسی عملکرد در تمامی فازها و چگونگی کارکرد صحیح آن و ضرورت ایجاد بهبود مستمر در درون چرخه تکوین است. این فاز با دریافت بازخورد از تمامی فازهای مدل به ارزیابی آن‌ها پرداخته و در صورت ضرورت به تدوین اقدام اصلاحی مبادرت ورزیده و آن را به فاز مورد نظر انتقال می‌دهد.

بر اساس مدل این پژوهش، پیشنهاد اصلی به فعالان و متولیان این صنعت این است تا با بهره‌گیری از این مدل و مد نظر قرار دادن عوامل مؤثر و تطبیق فضای واقعی موجود حاکم بر این صنعت و یافتن کمبودها و فقدان‌ها به اصلاح رویه‌ها و استراتژی پرداخته تا این صنعت را در بازار پرتلاطم امروزه هدایت کرده و به جایگاه واقعی خود برگردانند. این مدل می‌تواند نقطه‌ی آغازی برای مدل‌های دیگر صنایع بومی گوناگون دیگر باشد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که با متمرکز شدن بر هر یک از فازها، به مطالعه‌ی ابزارها و توالی هر یک از فازهای فرعی اقدام شود. همچنین استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری همانند دیمتل فازی به منظور سنجش میزان تأثیر هر یک از عناصر مدل بر یکدیگر و یا استفاده از روش‌های وزن‌دهی به منظور تعیین اهمیت هر یک از عوامل توصیه می‌شود.

■ بی‌نوشت

- 1- Cooper
- 2- Elemancy
- 3- Stage Gate
- 4- APQP
- 5- General Motors
- 6- Ford
- 7- Chrysler
- 8- QFD
- 9- Yoji akao
- 10- Booz Allen and Hamilton
- 11- Lean
- 12- Spiral
- 13- Monozukuri
- 14- Massachusetts
- 15- Engineering Is Elementary
- 16- National Center for Engineering and Technology Education
- 17- Meredith
- 18- Francis
- 19- Kidd
- 20- Gunasekaran
- 21- Hiiegersberg
- 22- .Dove



- 23- homogene
- 24- Atlas.ti
- 25- Free code
- 26- Ishikawa

### ■ فهرست منابع

- احمدی، فضل‌الله، خدیجه نصیریانی و پروانه ابادری. (۱۳۸۷). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. آموزش در علوم پزشکی، ۸، ۱۷۴-۱۸۵.
- اقتصاد آنلاین. (۱۳۹۹). مشکلات پیش روی صادرات فرش دست‌بافت. قابل دسترسی در آدرس: <http://eghtesadonline.com/fa/tiny/news-459110>
- امینی، علیرضا، اسماعیل مزروعی نصرآبادی و طیبه جعفری گهرویی. (۱۳۹۷). مدل ساختاری تأثیر راهبرد رفتار فروش انطباقی بر اثر بخشی بازاریابی: نقش میانجی تأکیدات بازاریابی در هنر- صنعت فرش دست‌بافت. نشریه علمی گلجام، ۳۳، ۱۰۵-۱۲۳.
- انصاری، منوچهر و علیرضا ممقانی. (۱۳۹۰). مدیریت استراتژیک توسعه محصول جدید از ایده تا عمل. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- پایگاه اینترنتی پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۲). بررسی صنعت دست‌بافت در ایران و چالش‌های آن. قابل دسترسی در آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/850580>
- جعفرنژاد، احمد و بهنام شهائی. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر چاپکی سازمانی و تولید چاپک. تهران: کتاب مهربان.
- زارع مهرجردی، یحیی، محمد صالح‌اولیاء و امیر تنها درودزنی. (۱۳۸۹). یک رویکرد تلفیقی برای ارزیابی و رتبه‌بندی اهمیت نسبی الزامات فنی محصول- مطالعه موردی صنعت کاشی و سرامیک یزد. فصلنامه‌ی توسعه تکنولوژی صنعتی، ۱۶، ۷۱-۸۵.
- سلطانی‌نژاد، اسماء، علی مروتی شریف‌آبادی، حبیب زارع احمدآبادی و احمد جعفرنژاد. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مفهومی چاپکی راهبردی شرکت‌های دانش بنیان. مجلس و راهبرد، ۱۰۱، ۹۵-۱۲۱.
- سلطانی، ساناز، اسماعیل رمضان‌پور و محمد نوع‌پسند. (۱۳۹۲). بررسی توسعه محصول جدید و رابطه‌ی آن با مزیت رقابتی. بررسی‌های بازرگانی، ۶۳، ۱-۱۵.
- سید حسینی، محمد و جواد ایرانیان. (۱۳۸۵). یک مدل مفهومی جهت توسعه محصول جدید در محیط مهندسی هم‌زمان. اقتصاد و مدیریت، ۲، ۲۱-۳۰.
- شهبازی منشادی، مهرداد و حبیب‌الله سالارهی. (۱۳۹۵). شناسایی و الویت‌بندی مؤلفه‌های استراتژیک تأثیرگذار بر جایگاه برند ملی فرش دست‌بافت ایرانی در بازار جهانی. نشریه علمی گلجام، ۱۲، ۴۷-۶۶.
- صمدی مقدم، یحیی و مرتضی خیرخواه. (۱۳۸۸). طرح ریزی پیشاپیش کیفیت محصول و طرح کنترل (APQP). تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- عرب، علیرضا، احمد جعفرنژاد چقوشی و ایمان قاسمیان صاحبی. (۱۳۹۶). مدل‌سازی شاخص‌های سنجش تاب‌آوری تأمین‌کنندگان با رویکرد خبره محور تفسیری: گامی در جهت افزایش بهره‌وری صنعت قطعه‌سازی خودرو. مدیریت بهره‌وری، ۷، ۳۷-۴۶.
- عربی، حسین و محمدصادق صبوری. (۱۳۸۳). بررسی معضلات و مشکلات بازاریابی فرش دست‌بافت ایران. تعاون و کشاورز، ۱۵۶، ۴۲-۴۵.
- علیزاده ثانی، محسن و امیر شجاعیان. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موفقیت خوشه‌ی صنعتی فرش

دست‌بافت خراسان شمالی. نشریه علمی گلجام، ۱۰(۲۵)، ۸۵-۱۰.

- فارسیجانی، حسن و صدیقه قهرودی. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی موانع چابکی بنگاه‌های اقتصادی برای دستیابی به ولید در کلاس جهانی. چشم‌انداز مدیریت صنعتی، ۱۳، ۹۱-۱۲۰.

- فارسیجانی، حسن. (۱۳۹۲). اصول مدیریت ناب-چابک. تهران: نشر برآیند پویش.

- الفت، لعیا و محمود زنجیرچی. (۱۳۸۸). مدلی برای چابکی سازمانی در صنعت الکترونیک ایران. فصلنامه‌ی علوم مدیریت ایران، ۱۳، ۴۷-۷۴.

- فتحیان، محمد، رکسانا فکری و علی احمدی. (۱۳۸۸). تعیین عوامل مؤثر بر چابک‌سازی فرآیند توسعه‌ی محصول جدید با استفاده از روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی. مدیریت فردا، ۸(۲۱)، ۳۴-۴۲.

- کاتب، مهدی. (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) صادرکننده‌ی فرش، نشریه علمی گلجام، ۹، ۲۹-۴۴.

- مهربان، رضا. (۱۳۷۷). روش کاربردی برنامه‌ریزی پیشرفته‌ی کیفیت محصول. تهران: پیکان.

وندشعاری، علی، احمد نادعلیان و علی اصغر شیرازی. (۱۳۸۹). کاهش انحراف با نیازهای بازار جهانی فرش دست‌باف با تأکید بر فناوری اطلاعات. نشریه علمی گلجام، ۶، ۸۵-۱۰۲.

- Akao, Y., & Mazur, G.H. (2003). The leading edge in QFD: past, present and future. *International Journal of Quality & Reliability Management*, 20(1), 20-35.
- Booz, A., & Hamilton. (1982). *New Product Management for the 1980s*. New York: Booz.A/Hamilton Inc
- Boston's Museum of Science. EIE models. (2018). Retrieved from <http://www.eie.org/overview/engineering-design-process>
- Bouzon, M., Govindan, K., Rodriguez, C.M.T., & Campos, L.M.S. (2016). Identification and Analysis of Reverse Logistics Barriers Using Fuzzy Delphi Method and AHP. *Conservation and Recycling*, 108, 182-197.
- Cooper, R., & Kaplan, R. (1991). Profit Priorities from activity-based costing. *Harvard Business Review*, 69(3), 130-135.
- Goedhuys, M., & Veugelers, R. (2012). innovation strategies, process and product innovation and growth.firm level evidence from brazil. *Struct. chang. Econ. Dyn.*, 23(4), 516,529.
- Goldman, S., Nagel, R., & Preiss, K. (1995). *Agile competitors and virtual organizations*. Kenneth: Van nostrand Reinhold.
- Goldman SL, N. R. N., & Preiss K. (1995). *Agile Competitors and Virtual Organizations: Strategies for Enriching the Customer*, New York: Van No strand Reinhold.
- Goswami, M. (2018). Supply chain centric product line selection: A functional risk focused approach. *International Journal of Production Research*, 56(20), 6678-6700.
- Goswami, M., & Tiwari, M. K. (2014). A predictive risk evaluation framework for modular product concept selection in new product design environment. *Journal of Engineering Design*, 25(1-3), 150-171.
- Gunasekaran, A. (1998). Agile manufacturing; Enablers and implementation & framework. *International journal of production research*, 36(5), 1223-1247.
- Gunasekaran, A. (1999). Agile manufacturing: A framework for research and development. *International journal of production economics*, 62(1-2), 87-105.
- Gunasekaran, A., & Yusuf, Y. (2002). Agile Manufacturing: Taxonomy of Strategic and Technological Imperatives. *International Journal of Production Research*, 40(6), 1357-85.



- Hamidzadeh, M., Hosseini, M., Akhavan, M., & Shojaeefard, H. (2018). A new consideration on new product development models. *International journal of automotive engineering*, 8(1), 2666-2671.
- Herzwurm, G., Schockert, S., & Tauterat, Q. (2015). Function deployment in software development. State of the art, Conference paper. QFD Institute Deutschland, Aachen, Germany.
- Herzwurm, G., Schockert, S., & Tauterat, T. (2015). Quality function deployment in software development - state-of-the-art. Proceedings of the 21st International Symposium on QFD, Hangzhou, China.
- Hillegersberg, J. (2005). *Agile information system: Conceptualization, construction and management*. Butterworth-Heinemann.
- Ilhami, M., & Subagy, M.N. (2020). A mathematical model at the detailed design phase in the 3DCE new product development. *Computers & industrial engineering*, 146, 106617.
- Lin, C. T., Chiu, H., Tseng, Y. (2005). Agility evaluation using fuzzy logic, *International Journal of Production Economics*, 101(2), 353-368.
- Meade, L., & Sarkis, J. (1999). Analysing Organizational Project alternatives for agile manufacturing processes: An analytical network approach. *IJOPR*, 37(2), 241-261.
- Nakagawa, T. (2011). Monozukuri's model. Retrieved from: <http://www.osaka-gu.ac.jp/php/nakagawa/TRIZ/eTRIZ/epapers/e2011Papers/eMaeda-TRIZSymp2010/eMaeda-TRIZSymp2010-110923.html>
- National Center for Engineering and Technology Education. *Engineering Design Process* (2018). Retrieved from: <https://www.linkengineering.org/Explore/EngineeringDesign/5824.aspx>
- Sharifi, H., & Zhang, Z. (1999). A methodology for achieving agility in manufacturing organizations: an introduction. *IJOPE*. 62, 7-22.
- Sharp, J. M., Irani, Z., & Desai, S. (1999). Working towards Agile Manufacturing in the UK industry. *International Journal of Production Economics*, 62, 155-169.
- Slater, S.F., Mohr, J., & Sengupta, S. (2014). Radical product innovation capability, Literature review, synthesis and illustrative research propositions. *J. prod. innov. manage*, 31(3), 552-566.
- The Massachusetts Department of Education Massachusetts Scientific Department model. (2018). Retrieved from: <http://www.doe.mass.edu/farameworks/>
- Tutorialspoint. *Software Development Life Cycle (SDLC)*. (2018). Retrieved from: [https://www.tutorialspoint.com/sdlc/sdlc\\_overview.htm](https://www.tutorialspoint.com/sdlc/sdlc_overview.htm)
- United States Department of Defense. *DOD 5000 model*. (2020). Retrieved from: <https://www.inflextra.com/ideas/whitepaper/systems-development-with-dod-5000.aspx>
- Van, H., Harrison, A., & Christopher, M. (2001). Measuring agile capabilities in the supply chain. *Operations & Production management*, 21, 126-147.
- Wang, Y.M., Chin, K.S., Poon, G.K.K., & Yang, J.B. (2009). Risk Evaluation in Failure Mode and Effects Analysis Using Fuzzy Weighted Geometric Mean. *Expert Systems with Applications*, 36(2), 1195-1207.
- Yusef, Y.Y., Sarhadi, M., & Gunasekaran, A. (1999). Agile manufacturing: the drivers, concepts and attributes. *International Journal of Production Economics*, 62(1-2), 33-43.
- Yusuf, Y.Y., & Adeyeye, E.O. (2002). A comparative study of lean and agile manufacturing with related survey of current practices in the UK. *International Journal of Production Research*, 40(17), 4545-4562.

